

Journal Iranian Political Sociology

Vol. 5, No.9, Azar 2022

<https://dx.doi.org/10.3051/psi.2022.2929.9.1927>

### **Investigating the types of criminological effects in society with the approach of criminal law**

#### **Abstract**

The purpose of this article is to examine the effects of criminology in society with the approach of criminal law. Be effective to these people. The main question is what are the effective factors of criminological effects at the community level? The objectives of this study are to explain various social, cultural and political factors as well as to provide preventive measures. The most important of these factors are injustice, discrimination and repressive attitudes, and the most important ways to prevent such crimes are to ensure the rights and freedoms of individuals and the administration of justice in society. The research method in this article is descriptive and analytical. Accordingly, the present article seeks to identify the causes and factors of crime in social etiology and criminal and non-criminal prevention strategies of crime, offender, social environment and pre-criminal situations. And the teachings of restorative justice emphasize Iranian criminal law.

**Keywords:** Criminology, Classical and Critical Criminology, Criminal Sociology

**بررسی انواع آثار جرم‌شناسی در جامعه با رویکرد حقوق کیفری**نجمه مالکی بروجنی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۷

سید عباس جزایری<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۵

کریم صالحی<sup>۳</sup>**چکیده**

هدف از بررسی مقاله بررسی آثار جرم‌شناسی در جامعه با رویکرد حقوق کیفری می باشد. آثار جرم‌شناسی در سطح جامعه ناظر به بزه‌کار، بزه دیده و اشخاص ثالثی است که نقش در فرآیند عدالت کیفری ندارند، اما اعمال مجازات و عدم اعمال آن، حسب مورد می تواند نسبت به این اشخاص مؤثر باشد. مسئله اصلی این است که عوامل مؤثر آثار جرم‌شناسی در سطح جامعه چیست؟ اهداف این تحقیق، تبیین عوامل متعدد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و همچنین ارائه تدابیر پیشگیرانه است. از مهم ترین این عوامل می توان به بی عدالتی، تبعیض و برخوردهای سرکوب گرایانه اشاره کرد و از مهمترین راهکارهای پیشگیری از چنین جرایمی می توان به تامین حقوق و آزادی های افراد و اجرای عدالت در جامعه اشاره کرد. روش تحقیق در این مقاله به طریق توصیفی و تحلیلی است. بر این اساس، مقاله حاضر در صدد علت‌شناسی اجتماعی و راهکارهای پیشگیری کیفری و وضعی از جرم، مجرم، محیط اجتماعی به شناسایی علل و عوامل بزهکاری پرداخته و در واقع با نظریه های جامعه شناسی جنایی، جرم شناسی کلاسیک و انتقادی و آموزه های عدالت ترمیمی با تاکید بر حقوق کیفری ایران می باشد.

**کلید واژه‌ها:** جرم‌شناسی، جرم شناسی شناسی کلاسیک و انتقادی، جامعه شناسی جنایی

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، شهر کرد، ایران. (نویسنده مسئول)

Nmaleki919@yahoo.com

<sup>۲</sup> استادیار و عضو هیات علمی گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد شهر کرد، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، شهر کرد، ایران.

abbas.jazaeri@gmail.com

<sup>۳</sup> استادیار و عضو هیات علمی گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد شهر کرد، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، شهر کرد، ایران.

k.salehi@ut.ac.ir

حقوق کیفری، کار خود را با تولد جرم در قانون و وقوع یک پدیده مجرمانه آغاز می کند و در تمرکز بر پدیده مجرمانه، در دایره بسته تعریف شده از سوی قانون گذار، حرکت کرده و سپس با تشخیص عنوان مجرمانه یک رفتار، تعیین مسئولیت کیفری مرتکب، تعیین مجازات و شیوه اجرای آن، کار خود را تمام شده می داند. حال آنکه جرم شناسی به دنبال درک چرایی وقوع یک رفتار مجرمانه یا همان پی بردن به علل وقوع رفتار و تلاش برای پیشگیری و کنترل جرم می باشد. جرم شناس نه تنها در راستای پیشگیری، پیش از وقوع جرم، وارد عمل می شود، بلکه یک گام جلوتر، مطالعات خود را پیش از مرحله تولد جرم در قانون، آغاز می کند.

تلاش بشر در راستای توجیه اقدامات دولت ها در قالب جرم انگاری و تعیین بایدها و نبایدهای کیفری، در قالب نظریه پردازی های مختلف و توجیه جرم و مجازات، منعکس شده است که در این مسیر، بشر هر روز بیش از پیش به سمت عقلانی کردن و توجیه نظری اقدامات خود روی آورده است. زمانی که تکالیف و الزامات متوجه بشر، برگرفته از ادیان الهی و دستوراتی فرا زمینی بود، نیاز به این توجیه و در حقیقت مشروعیت دادن به اقدامات احساس نمی شد، اما هنگامی که بشر ارتباط خود با آسمان را قطع کرده و خود به تعیین بایدها و نبایدهای زندگی اجتماعی روی آورد، ضرورت چنین اقدامی برای مهار انحراف و زیاده خواهی دولت ها، به گونه ای که ضامن حقوق و آزاد یهای فردی باشد، به شکلی ملموس نمایان شد<sup>۱</sup> (الهام و برهانی، ۱۳۹۵: ۸۰).

اعمال مجازات، یعنی بازدارندگی و کاهش احتمال وقوع جرم در آینده، نقشی اساسی در توجیه یک مجازات ایفاء خواهد کرد. از این رو در برقراری تناسب میان جرم و مجازات، "بازدارندگی"، ضابطه این تناسب خواهد بود. در واقع پاسخ به پرسش کمیت و کیفیت مجازات را بازدارندگی، تعیین می کند. به میزانی مجازات می کنیم که بازدارنده باشد. لذا چنانچه در شرایطی، اعمال هرگونه مجازات نسبت به یک جرم خاص، فاقد بازدارندگی باشد، اعمال مجازات و توسل به شیوه های کیفری در واکنش به آن، توجیهی نخواهد داشت.

مکتب اثباتی یا تحقیقی آغازگر راهی نو در روش شناسی دانش جرم شناسی و نقطه تولد جرم شناسی مدرن به شمار می رود و با تمام انتقاداتی که به نظریات سنتی آن وارد است، باب مطالعات علمی در زمینه علت یابی جرم را باز نمود و سعی در تبیین این موضع داشت که نگاهی قطعی به مسئولیت اخلاقی افراد (ثمره رویکرد کلاسیک) نداشته باشیم و بپذیریم علت بروز برخی از رفتارها خارج از کنترل شخصی است و این امر می تواند مسئولیت افراد را کاهش دهد. بنابراین، مجازات تنها راه پاسخ به کجروی های اجتماعی نیست.

اقدامات پیشگیرانه ناظر بر وضعیت است که از آن به پیشگیری وضعیتی مدار یا پیشگیری وضعی یاد می شود. پیشگیری وضعی یا موقعیتی مدار، عبارتست از مجموعه تدابیری که به دنبال کاهش یا از بین بردن فرصت ها و موقعیت های ارتکاب جرم است. در واقع در این شیوه، هدف، افزایش تهدیدات

<sup>۱</sup> قوانین کشورهای اسلامی، در مبحث حدود و دیات و قصاص با توجه به الهی بودن دستورات، نیازی به این توجیه نیست اما در مبحث تعزیرات با توجه به قاعده التعلیر بما یراه الحاکم، مجال بحث و گفتگو برای تعیین ضابطه جرم انگاری و تعیین مجازات از سوی حاکم، وجود دارد.

و خطرات نسبت به بزه‌کار بالقوه و کاهش تهدیدات و خطرات نسبت به بزه دیده بالقوه از رهگذر تمرکز بر موقعیت و وضعیت است. به گونه ای که شرایط ارتکاب جرم برای فرد دشوار گردیده و او را از ارتکاب جرم منصرف کند (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۷۸: ۲۵)

آموزش و پرورش، گام مؤثر دیگری در مسیر اصلاح و درمان قلمداد می شود. بیشتر بزهکاران به دلیل عدم دسترسی به فرصت آموزشی، فاقد شرایط و مهارت های لازم برای اشتغال می باشند. فضای زندان می تواند به محیط مناسبی برای کسب مهارت های لازم برای ورود به بازار کار پس از طی دوران محکومیت باشد. بازگرداندن بزهکاران به محیط کار، کلید مهار کردن تکرار جرم است. گذشته از آن در بسیاری از موارد، مانند خشونت های خانگی، تنها با آموزش و تغییر در نگرش افراد می توان به عدم تکرار این موارد امیدوار بود.

انواع جرم شناسی در جامعه، در مورد بسیاری از نقاط کلیدی جرم شناسی مانند انسان، جامعه و ساختارهای اجتماعی، قانون و جرم ذکر شده تحلیل هایی را ارائه کرده است، اما در این مقال بر آنیم تا به توصیف و تحلیل انواع آثار جرم شناسی در جامعه با رویکرد حقوق کیفری بپردازیم.

### ۱. پیشینه پژوهش

سنجایی و دایی (۱۳۹۹) در پژوهشی به بررسی رابطه ی بزه دیده شناسی و جرم شناسی پرداختند در جرم شناسی سه پدیده ی بزه، بزهکار، بزهکاری، وجود دارند که ارکان جرم شناسی دانسته شده است. امروزه در جرم شناسی جدید علاوه بر این سه رکن، رکن دیگری به نام بزه دیده، مورد توجه جرم شناسان قرار گرفته است. جرم شناسان بتدریج دریافتند، برای ارایه یک مطالعه کامل و همه جانبه از جرم، باید همزمان به بررسی مجرم و نیز بزه دیده او و نیز وضعیت قبل از ارتکاب جرم، بپردازند، لذا مطالعات جرم شناسی به سمت بزه دیده و شخصیت او روی آورد.

صادقی و اکبری (۱۳۹۹) در پژوهشی به بررسی جرم شناختی جرایم علیه امنیت کشور با رویکرد جامعه شناسی جنایی پرداختند که جرایم علیه امنیت کشور جرایمی هستند که مستقیماً قصد ضربه زدن به امنیت جامعه و حکومت را داشته و در پی نابودی پایه های حاکمیت هستند. گسترش وقوع چنین جرایمی در دهه های اخیر، سیاست کیفری امنیت مدار را به دنبال داشته و به تبع آن جرم شناسی امنیتی ظهور کرده که مجرم را موجودی خطرناک قلمداد نموده و هیچ حقوقی برای وی قائل نیست.

خسروشاهی و جوادی حسین آبادی (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی تحلیل رابطه ی مؤلفه های هویت دینی و پیشگیری از جرم پرداختند نتایج نشان داد در گام اول بُعد مناسکی و در گام دوم بُعد اعتقادی پیش بینی کننده ی میزان جرایم است. یافته ها همچنین نشان داده اند که زنان میانگین بیشتری در ابعاد هویت دینی به دست آورده و به نسبت کمتری از مردان مرتکب جرم شده اند.

### ۲. روش تحقیق

روش ما در این پژوهش یک تحقیق مقاله به طریق توصیفی و تحلیلی است بوده به این معنی که با استفاده از روش های تحلیل و استدلال عقلانی، از نتایج آن برای الگوسازی استفاده شده است. روش پژوهش، شیوه برخورد نظام مند یا تحقیق جامع است که در این شیوه پژوهشگر ضمن طی مراحل جمع آوری اطلاعات و پردازش آنان، به تجزیه و تحلیل یافته ها می پردازد.

## ۳. ۱. مفهوم جرم شناسی

اصطلاح جرم شناسی را برای اولین بار «توپینار»<sup>۲</sup> دانشمند فرانسوی در ۱۸۷۹ بکار برد و در سال ۱۸۸۵ یعنی ۶ سال پس از انتشار کتاب توپینار، گاروفالو قاضی ایتالیایی کتابی را تحت عنوان «جرم شناسی» منتشر ساخت. به مرور زمان با ظهور عصر جدید در عرصه های مختلف جرایم متنوعی به وجود آمد که تنها مجازات مجرمین راه حل پیشگیری از آن نبود.

شناسایی علل و عوامل بزهکاری پرداخته و در واقع معمای ارتکاب بزه را رازگشایی کند و پی به چرایی ارتکاب جرم و تکرار آن ببرد. همین، سبب شده تا یافته های این دانش، کاربردی بوده و در مسیر پیشگیری و کنترل جرم مورد استفاده قرار بگیرد (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۹۰: ۵۶). بنابراین، عده ای، پایه و اساس جرم شناسی را مطالعه علل جرم و برخی مطالعه شخص بزهکار می دانند. در این میان، برخی توجه خود را معطوف به بزه دیده جرم نموده و برخی دیگر با توجه به آنکه پدیده مجرمانه، واکنش اجتماعی را دربردارد، موضوع مورد مطالعه جرم شناسی را به واکنشهای اجتماعی در برابر جرم و امور مرتبط با این حوزه از جمله قانونگذاری و تعیین کیفر و شیوه اجرای آن نیز تعمیم می دهند.

## ۳. ۲. تعریف پدیده جرم شناسی

پدیده جنایی علاوه بر آن که یک مفهوم مجرد حقوقی محسوب می شود، واقعیت انسانی و اجتماعی نیز به حساب می آید. از بعد انسانی شناخت این واقعیت، کنجکاوی پزشکان، روان پزشکان و حتی ادیبان و نویسندگان را برانگیخته و از بعد اجتماعی نیز، ذهن جامعه شناسان و حقوق دانان و جرم شناسان را به خود مشغول ساخته است. این دو جنبه همزمان، پیچیدگی پدیده جنایی را به وجود می آورند. هم چنین این پدیده که حاکی از تعارض میان انسان و جامعه است، واکنش اجتماعی را علیه بزهکار برمی انگیزد. احساسات جمعی باعث می شود قانون گذار پدیده های جنایی را به سطوح مختلفی تقسیم بندی کند و دسته ای از جرایم را با در نظر گرفتن وخامت و شدت جریحه دار کردن احساسات جمعی، قابل مجازات بداند و دسته ای دیگر را با در نظر گرفتن شرایط بزهکار، بزه دیده و جامعه قابل مجازات نداند. این واکنش اجتماعی در مقابل جرم، آثاری در سطح جامعه دارد که این آثار از زوایا و ابعاد مختلفی قابل بحث است. انصراف از اعمال مجازات برخی مجرمین در شرایط مشخص شده در قانون، به خاطر مصالح فردی و عمومی، دارای آثاری است که در سطح جامعه در خور توجه است.

جرم شناسان با بررسی علل ارتکاب جرم و انگیزه بزهکار از ارتکاب آن، اهدافی را دنبال می کند و چنان چه علت ارتکاب بزه مشخص شد، راهکارهای درمان آن را نیز ارائه می دهند و چه بسا در خصوص عده ای از مجرمین بر اساس واقعیات اجتماعی، مجازات را امری بیهوده تلقی می کنند. به نظر آنان چنان چه جامعه به این دیدگاه برسد که واکنش اجتماعی نسبت به بزهکار با توجه به نوع جرم ارتکابی و انگیزه مجرم از ارتکاب آن و سایر اوضاع و احوال، بیهوده است از مجازات بزهکار باید منصرف شد (فراصت، ۱۳۹۱: ۵۸)؛ زیرا این انصراف، از نظر آنان دارای آثار و مزایایی است که در

<sup>2</sup> Topinard

مرحله اول ناظر به طرفین درگیری یعنی بزه‌کار و بزه دیده و در مرحله‌ی دوم ناظر به سایر اعضای جامعه است.

### ۳.۳. جرم‌شناسی کلاسیک

با آغاز انحراف در مسیحیت و اقتدار شدید کلیسا، اندیشمندانی در دوره رنسانس پا به عرصه نهند که با انتقاد شدید از وضعیت موجود، تلاش داشتند که مبانی فکری جدیدی بر اساس عقلانیت و خردورزی انسان، ایجاد کنند. آنان به توانایی ذهن بشر برای تنظیم مناسبات اجتماعی، ایمان داشتند. چنین نگرشی با دغدغه اصلاح نظام کیفری موجود، به دنبال تحدید اختیارات دولت‌ها و تأکید بر حقوق و آزادی‌های فردی، آغازگر عصری شد که از آن به دوره کلاسیک جرم‌شناسی یاد می‌شود. این دوره، نخستین تلاش علمی بشر با رویکردی انتقادی نسبت به وضعیت حاکم در دوره قرون وسطی قلمداد می‌شود. بیشتر رنگ و بوی فلسفی داشته و به دنبال انسانی کردن حقوق کیفری و حذف مجازات‌های خشن و غیر انسانی و تحدید خودکامگی‌های دولتها و قضات و تضمین حقوق و آزادی‌های فردی می‌باشد. شاید از همین روست که به حق، جرم‌شناسی کلاسیک که منظور از آن اشاره به اندیشه‌های حاکم بر همین دوره است، در حقیقت در مخالفت با تبیین‌های ماوراء الطبیعی از جرم و مجازات و در تلاش برای عقلانی جلوه دادن و توجیه و تئوریزه کردن جرم و مجازات متولد شد. اندیشمندان این دوره به دنبال چرایی وقوع جرم نیستند، اندیشه‌های آنان برخی معتقدند نباید از این دوره تحت عنوان جرم‌شناسی کلاسیک یاد کرد، بلکه باید آن را دوره سایه جرم‌شناسی یا پیشاجرم‌شناسی نامید (افتخار جهرمی، ۱۳۷۸: ۲۵).

### ۳.۳.۱. دستاوردهای مکتب کلاسیک

مکتب کلاسیک، به عنوان نخستین تلاش‌های بشر برای فاصله گرفتن از دوره تاریک قرون وسطی و گام برداشتن به سمت یک حقوق کیفری عقلانی و انسانی، دستاوردهای مهمی در پی داشت که در زیر بدان اشاره می‌شود.

مهم‌ترین آورده‌های مکتب کلاسیک، عبارتند از:

پذیرش آزادی اراده و در نتیجه سرزنش‌پذیری اخلاقی و مسئولیت کیفری شخص

اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری

اصل قانونی بودن جرم و مجازات

لغو مجازات‌های خشن و غیر انسانی

تأکید بر حتمی، قطعی و ثابت بودن مجازات‌ها

جنبه عمومی یافتن مجازات‌ها و انحصار دولت در تعیین و اعمال آن

اصل تساوی همگان در برابر قانون و ب‌یتأثیر بودن تفاوت‌های فردی در تعیین مجازات.

### ۳.۳.۲. جرم‌شناسی اثباتی

اندیشه‌های مکتب اثباتی (تحقیقی) در تقابل با مکتب کلاسیک، بر این مبنا شکل گرفت که انسان، فاقد آزادی اراده بوده و به اجبار تحت تأثیر برخی عوامل خارج از کنترل به سمت ارتکاب جرم سوق پیدا می‌کند. از این رو مسئولیت اخلاقی که در مکتب کلاسیک، توجیه‌کننده مجازات مجرمان بود، جای خود را به جبرگرایی داد. ظهور فلسفه آگوست کنت و رواج آن در اروپا، انتقاد از مکتب

کلاسیک، تولد مکتب اثباتی را به دنبال داشت. دوره ای که بشر از رهگذر مشاهده و روش تجربی و پرهیز از علت یابی های ماوراءالطبیعی حوادث، به توصیف و چراجویی پدیده های طبیعی از جمله وقوع جرم پرداخت. در واقع، تولد جرم شناسی مدرن، مقارن با ظهور مکتب پوزیتیویسم یا اثباتی یا همان جرم شناسی علمی است که در آن جرم شناسی، روشی تجربی، مبتنی بر مشاهده و آزمایش پیدا می کند و اندیشمندان علوم اجتماعی را به این نگرش سوق می دهد که جهان اجتماعی نیز از همان قواعد جهان طبیعی پیروی می نماید، بدین ترتیب که هر علتی، معلولی دارد و تعیی نکننده های علی رفتار، قابل شناسایی می باشند. تأثیر نظریه جنجالی داروین را نیز در ایجاد مکتب تحقیقی نمی توان نادیده گرفت.

به دنبال این نگاه به مفهوم جرم و ماهیت مجرم، واکنشی که در برابر رفتار کجروانه بایستی صورت بگیرد، درمان است. عدالت درمانی از طریق تشخیص پزشکی متناسب با ویژگی های هر فرد و پاسخ های نامعین تا زمان درمان فرد بیمار، راهکار مقابله با کجروهاست. سخنانی که به سود محکومیت های نامعین بازگو می شود، تعبیرهایی با این مضمون است که طول مدت بازداشت را صرفاً نباید با تکیه بر ماهیت رفتار مجرمانه ارتکاب یافته، تعیین کرد، بلکه در این خصوص باید بر تشخیص پزشکی و دسته بندی انجام گرفته در خصوص مجرم (برای مثال، جدی بودن یا نبودن مشکل و یا خطرناک بودن یا نبودن آن) و هم چنین، نوع درمان متناسب با هر فرد خاص تکیه کرد (وایت، ۱۳۸۳: ۱۱۱) پیش گیری از جرم نیز مستلزم مداخله پیشینی، تشخیص پزشکی و کنترل افرادی است که دارای آسیب های زیستی و روانی هستند.

در حوزه جرم شناسی اثباتی، تبیین علل بروز برخی از جرائم مانند جرائم حکومتی و سیاسی یا جرائم یقه سفیدی مورد توجه قرار نگرفته و تنها جرائم خیابانی یا جرائم خشونت آمیز، محور تبیین این گروه از نظریات جرم شناسی است. هم چنین در نگاه این مکتب، تفاوتی میان بزهکاری و بیماری نمی توان قائل شد و اقدامات پیشگیرانه، قبل از وقوع جرم یا انحراف برای مهار حالت خطرناک افراد، آزادی های افراد جامعه را تهدید می کند و منتهی به مداخله های آزاردهنده در زندگی افراد می گردد. انجام برخی از اصلاحات زیستی مانند سترون سازی مجرمان جنسی از طریق داروهای شیمیایی نیز در تضاد با کرامت انسانی و حقوق بشر است.

### ۳. ۵. نظریه اصلاح و درمان نسبت به بزهکاران

نگرش مکاتب تحقیقی و دفاع اجتماعی نسبت به مفهوم جرم و مسئولیت افراد بدین نحو که بزهکاران به علت عوامل خارج از اراده مرتکب جرم می شوند و درواقع بیمار بوده و به جای مسئولیت اخلاقی، دارای مسئولیت اجتماعی هستند، موجب ظهور نظریات اصلاح و درمان در قرن بیستم شد. تفکر اصلاح و درمان راه مقابله با مجرمان را نه تحمیل کیفری دردناک به علت خطای گذشته بلکه درمان و بازگشت آنها به جامعه و مهار خطری می داند که در آینده برای جامعه می توانند داشته باشند. از این رو رفته رفته مجازات زندان به عنوان مهم ترین ابزار اصلاحی در نظام های مختلف کیفری تبدیل به مجازات اصلی شد و نهادهای مورد نیاز بازپروری وارد حقوق کیفری شدند. بازپروری تا دهه ۷۰ میلادی در دوران اوج خود قرار داشت و پس از آن به علت مشکلات ناشی از

اجرای مجازات زندان و و نتایج آماری مبتنی بر عدم موفقیت در پیشگیری از تکرار جرم با شکست مواجه گردید.

گرچه، رویکرد اصلاح و درمان نسبت به بزهکاران، تنها اختصاص به قرن بیستم ندارد و در گذر تاریخی می‌توان این آموزه را در آثار اندیشمندان قرون قبل، مانند افلاطون نیز مشاهده نمود. افلاطون کیفر را وسیله تهذیب اخلاقی و زدودن ناپاکی روح مجرمان می‌دانست (مظلومان، ۱۳۵۱: ۱۱۴) هرچند نگرش او صرفاً با اجرای مجازات پیوند خورده است، ولی اصلاح گرایان در راستای اصلاح و درمان مجرمان، اعمال تدابیر متنوعی را در کنار مجازات پیش بینی می‌نمایند.

در اندیشه اصلاح و درمان، مشکلات مجرم به عنوان علت مستقیم بزهکاری پذیرفته می‌شود و این مشکلات بایستی توسط مقامات اجرایی برنامه‌های اصلاحی شناسایی شوند تا با رفع یا کاهش آن‌ها، میزان رفتار جنایی کاهش یابد. فرایند اصلاح مجرم طی سه مرحله صورت می‌گیرد: اول: استقرار احساس ناخوشایند از افکار و اعمال مجرمانه، دوم: فراگیری مهارت‌هایی که مجرم را قادر می‌سازد تا رفتارش را تغییر دهد، مانند کنترل خشم یا آموزش مهارت‌های حل مشکل و سوم: تشویق مجرم و کمک به او برای تعمیق توجه‌اش به زندگی عادی غیرمجرمانه. (غلامی، ۱۳۸۲: ۵۳ و ۲۷۲)

### ۳. ۶. جایگاه اندیشه‌های اصلاح و درمان در قانون

فارغ از ثمراتی که تفکر بازپروری به طور کلی در پیکره حقوق کیفری با مرور زمان به جای گذاشته است، مانند ورود موسسات بازپروری، اصلاح نظام زندان‌ها و اعمال تدابیر و برنامه‌های آموزشی و اصلاحی نسبت به زندانیان، نهاد تخفیف کیفر و نسبی کردن بازه مجازات‌ها میان حداقل و حداکثر متناسب با شخصیت بزهکار در راستای فردی کردن مجازات‌ها، اتخاذ واکنش‌های اصلاحی و تربیتی در برخورد با اطفال معارض قانون و الزام برخی از ناسازگاران اجتماعی به درمان، به طور خاص می‌توان به مقرراتی اشاره کرد که در ضمن اعمال آن، قانونگذار به اصلاح مرتکب بی توجه نبوده است. می‌توان ردپای آموزه‌های بازپرورانه را در نهادهای ارفاقی قانون مجازات اسلامی مشاهده کرد که در راستای فردی سازی بیشتر مجازات‌ها، تأکید بر اصلاح و درمان به جای سزادهی صرف و تشویق هرچه بیشتر مجرم به تغییر رفتار خویش، به دفعات یکی از شرایط برخورداری از این نهادها را نشانه‌های اصلاح بزهکار، دانسته است. برای نمونه، ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ندامت متهم و کوشش او به منظور تخفیف آثار جرم یا اقدام وی برای جبران زیان ناشی از آن را یکی از جهات تخفیف مجازات دانسته است. مطابق با مواد ۴۰ و ۴۶ همین قانون برخورداری مرتکب از تعویق صدور حکم یا تعلیق اجرای مجازات به شرط پیش بینی اصلاح مرتکب است. هم چنین دستورهایی که دادگاه در طول دوران تعویق یا تعلیق مراقبتی می‌تواند اجرای آن را از مرتکب مطالبه کند.

### ۳. ۶. ۱. نقد اندیشه‌های بازپرورانه

علی‌رغم پذیرش مطلوبی که نظریات اصلاح و درمان در قرن بیستم به ویژه در دهه ۶۰ میلادی با آن روبه‌رو شد، در اواخر این قرن با انتقادات وارده اقبال عمومی خود را از دست داد. با وجود اینکه بازپروری ملاکی برای ارزیابی ایده‌های خود داشت و آن هم شاخص تکرار جرم بود، اما همین ملاک نقطه ضعف اندیشه‌های اصلاحی و راهی آسان برای تحلیل شکست آن است، چرا که به راحتی با



داده‌های آماری مشخص می‌شود که اهداف بازپرورانه به تحقق نرسیده و بزهکاران دست از ارتکاب جرم نکشیده‌اند.

نظام مجازات‌های نامعین در راستای اعمال روش‌های اصلاحی و درمانی، اصل برابری افراد در برابر قانون را زیر سوال برده است و مقام قضایی برای فراهم کردن بهترین امکان تغییر بزهکار ناگزیر از تعیین مجازاتی است که حتی نسبت به مرتکب جرم مشابه نیز می‌تواند متفاوت باشد. از این رو، برنامه‌های اصلاحی موجب مداخله‌های زیاده از حد در زندگی خصوصی افراد می‌شود؛ موضوعی که از سوی جریان‌های لیبرال مورد انتقاد شدید قرار گرفته است، چرا که حق متفاوت بودن، مقتضی آن است که نتوانیم ولو در قالب مجازات و با نیت خیرخواهانه، افراد را مجبور کنیم که نگرش خود را نسبت به ارزش‌ها تغییر دهند، لذا چیزی بیشتر از مجازات را نباید بر مجرم تحمیل کرد (یزدیان، ۱۳۹۱: ۱۱۴).

### ۳.۷. پیشگیری وضعی

یکی از دستاوردهای جرم‌شناسی نظری از رهگذر مطالعه چرایی وقوع جرم، بحث قابل توجه پیشگیری است. پیشگیری در لغت به معنای مانع شدن و جلوگیری کردن آمده است، اما مراد از پیشگیری در مباحث جرم‌شناسی، هرگونه فعالیت سیاست‌جنایی است که هدف انحصاری یا جزئی آن محدود ساختن امکان پیشامد مجموعه اعمال جنایی از راه ناممکن ساختن یا دشوار نمودن یا کاهش وقوع آن می‌باشد (گسن، ۱۳۷۰: ۱۳۳). به عبارت دیگر پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از بین بردن یا کاهش آن، پیشگیری نامیده می‌شود.<sup>۳</sup> با توجه به جمعیت مخاطب اقدامات پیشگیرانه، سه نوع پیشگیری مورد توجه قرار می‌گیرد که تحت عنوان پیشگیری نخستین، دومین و سومین از آن یاد می‌شود.

#### ۳.۷.۱. پیشگیری نخستین یا اولیه

هدف تدابیر و اقدامات اتخاذ شده، کل جامعه است و در واقع متولی آن سعی دارد تا با به کار بستن ظرفیت‌های موجود، مانع بزهکاری یا بزه‌دیدگی کل جامعه گردد و نگاه خاص یا ویژه‌ای به گروه یا قشر خاصی ندارد. در واقع، در این گونه پیشگیری نه سعی داریم تا با نام‌گذاردن افرادی تحت عنوان افراد دارای حالت خطرناک به عنوان بزهکار بالقوه، تدابیر نظارتی و سختگیرانه‌ای نسبت به آن‌ها برای پیشگیری از ارتکاب بزه داشته باشیم و نه با توجه به قشری خاص تحت عنوان گروه‌های آسیب‌پذیر یا بزه‌دیدگان بالقوه تلاش می‌کنیم تا برای پیشگیری از بزه‌دیدگی آن‌ها تدابیر حمایتی بیشتری نسبت به آنان در مقایسه با سایر افراد جامعه اعمال کنیم، بلکه اقدامات، شامل همگان صرف نظر از سن، جنس و شرایط خاص جسمانی آنان می‌گردد.

#### ۳.۷.۲. پیشگیری دومین یا ثانویه

هدف، گروه و قشر خاصی از جامعه است. در واقع با باور این مطلب که برخی افراد جامعه به لحاظ ویژگی‌های جسمی، روحی، سن و جنس و شرایط محیط زندگی خود، بیش از سایرین در معرض خطر بزهکاری یا بزه‌دیدگی قرار دارند، تلاش می‌کنیم تا تدابیری خاص و متفاوت را نسبت به آنان اتخاذ کنیم و متناسب با نیازها و شرایط هر گروه به گونه‌ای رفتار کنیم تا احتمال وقوع

<sup>۳</sup> ماده ۱ لایحه پیشگیری از وقوع جرم

بزهکاری یا بزه‌دیدگی آنان کاهش یابد در واقع در این گونه پیشگیری، جمعیت مخاطب، بزهکاران یا بزه دیدگان بالقوه، از جمله کودکان در معرض خطر است.

### ۳. ۷. ۳. پیشگیری سومین یا ثالث

ناظر بر وضعیت پس از ارتکاب بزه و بزه دیدگی است، جایی که اقدامات صورت گرفته در دو گونه قبل، موفق نبوده و نتوانسته مانع از وقوع جرم شود. هدف این اقدامات پیشگیرانه، بزهکاران و بزه‌دیدگان بالفعل است. در این گونه، تلاش می‌شود تا با اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم، از تکرار بزهکاری و بزه دیدگی جلوگیری شود. در واقع با پیش گرفتن اقدامات متناسب، در صدد هستیم از مزمن شدن وضعیت پیش آمده جلوگیری کنیم.

### ۳. ۸. ۳. پیشگیری کیفری

هرچند برخی از حقوقدانان معتقدند که این نوع پیشگیری اساساً، پیشگیری به مفهوم جرم شناختی آن نبوده و صحبت از پیشگیری کیفری اشاره به همان کارکرد بازدارنده قوانین کیفری است.<sup>۴</sup> اما در نوع دوم یا همان پیشگیری غیرکیفری که مورد توجه جرم شناسان می‌باشد، هدف آنست تا از طریق سازوکارهای غیر قهر آمیز و سرکوبگر وقوع جرم ناممکن یا دشوار گردیده و یا نرخ بزهکاری کاهش یابد. اقدامات پیشگیرانه با ماهیت غیرکیفری، یا برخورد فرد اعمال می‌گردد یا بر وضعیت و موقعیت ارتکاب جرم. چرا که فرض بر آنست که در تعامل میان عوامل شخصی و وضعی است که زمینه برای وقوع جرم فراهم می‌گردد، از این رو تمرکز بر این دو دسته عوامل می‌تواند نقش مؤثری در پیشگیری یا کاهش وقوع جرم داشته باشد. گاهی اقدامات پیشگیرانه بر فرد تمرکز دارد، که از آن تحت عنوان پیشگیری فرد مدار یاد شده و خود به دو گونه پیشگیری رشد مدار<sup>۵</sup> و جامعه مدار تقسیم می‌شود.

### ۳. ۸. ۳. ۱. پیشگیری رشد مدار

در جرم شناسی نظری با دانشی تحت عنوان جرم شناسی رشد مدار یا جرم شناسی روند زندگی<sup>۶</sup> رو به رو هستیم که به مطالعه تغییرات فردی در گذر زمان و مقاطع سنی مختلف می‌پردازد تا متغیرهای تأثیرگذار بر رفتار انسان را شناسایی کند (فرید، ۱۳۹۳: ۶۶). پیشگیری رشد مدار حاصل یافته‌های همین دانش است. پیشگیری رشد مدار تلاش می‌کند تا با شناسایی نشانه‌های خطر در مسیر رشد به طور زود هنگام مداخله کرده (مداخله زودرس) تا از وقوع بزهکاری یا مزمن شدن آن در فرد جلوگیری کند. این نوع پیشگیری به دنبال آنست که با اقدام در مسیر رشد افراد در سنین مختلف یا اثرگذاری بر محیط اجتماعی پیرامون وی، آنان را به گونه‌ای تربیت و جامعه پذیر نماید که گرفتار مسیر بزهکاری نشوند. از این رو جرم‌شناسان معتقدند با مشاهده اولین نشانه‌های انحراف و بزهکاری می‌توان با اقدام و مداخله زودرس و با توسل به شیوه‌های تربیتی و اصلاح کننده و حمایتی در مسیر زندگی افراد، مانع از کشیده شدن آنها به سمت ارتکاب جرم شد. در واقع، پیشگیری رشد مدار، رویکردی زمان محور، کنشی و خطر محور بوده که مخاطب آن کودکان در معرض خطر بزهکاری می‌باشد. این رویکرد، برخلاف پیشگیری وضعی، تنها به دنبال جلوگیری از وقوع جرم نیست، بلکه به دنبال جلوگیری از

<sup>۴</sup> میزگرد بررسی لایحه پیشگیری از وقوع جرم با رویکرد قضایی، فصلنامه مطالعات. پیشگیری از جرم، تابستان ۱۳۸۶، ش

سوم، ص ۵۴

<sup>۵</sup> developmental prevention

<sup>۶</sup> life-course criminology

بزهکار شدن افراد می باشد. از آن جایی که جمعیت هدف در پیشگیری رشدمدار، کودکان و نوجوانان در معرض خطر<sup>۷</sup> می باشد (مهدوی، ۱۳۹۵: ۹۰۶)، از این رو شناسایی علایم و نشانه های انحراف و بزهکاری در آنان، از اصلی ترین ابزارهای پیشگیری رشدمدار، قلمداد می شود.

### ۳. ۸. ۲. ماهیت اقدامات پیشگیرانه وضعی

با پذیرش نظریه انتخاب عقلانی به عنوان مبنای انتخاب ها و رفتار آدمی، می توان با کاهش فرصت ارتکاب جرم و تقویت آماج های جرم و مانع تراشی و به تعبیری دشوار ساختن ارتکاب جرم، به کاهش وقوع آن امیدوار شد. در مسیر کاهش منفعت و سود حاصل از جرم م می توان برای نمونه به حذف پول نقد در معاملات روزمره و جایگزین کردن ابزارهایی نظیر کارتهای بانکی اشاره کرد. چنانچه افراد پول نقد اندکی با خود حمل کنند و معاملات روزمره خود را از طریق کارت های بانکی انجام دهند، بزهکار بالقوه با محاسبه این امر که از سرقت کیف پول یک عابر، احتمالاً پول چندانی به دست نخواهد آورد، از چنین انتخابی منصرف خواهد شد. گاه تدابیر پیشگیرانه وضعی ناظر بر تقویت آماج و ناممکن یا دشوار ساختن ارتکاب جرم است.

### ۳. ۸. ۳. انعکاس آموزه های پیشگیری وضعی در قانون

اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی، به بیان وظایف قوه قضاییه پرداخته و در این راستا، بند پنجم آن از اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین، سخن گفته است. گرچه عبارت مطلق پیشگیری در این بند، ناظر بر تمامی گون ههای آن بوده و منحصر به پیشگیری وضعی نمی باشد، اما از آن جا که اهمیت این امر قانونگذار را بر آن داشته تا در قانون اساسیکشور در شمار وظایف قوه قضاییه بدان اشاره کند، ذکر آن در اینجا خالی از لطف به نظر نمی رسد. گذشته از تکلیف کلی قانونی نسبت به امر پیشگیری، می توان در قوانین متعدد داخلی، موارد متعددی را یافت که رد پای پیشگیری وضعی در آن به چشم می خورد. برای نمونه شاید بتوان به ماده ۱۱۱۵ قانون مدنی اشاره کرد که مقرر می دارد: «اگر بودن زن با شوهر در یک منزل متضمن خوف ضرر بدنی یا مالی یا شرافتی برای زن باشد، زن می تواند مسکن علیحده اختیار کند»، در این ماده قانونگذار با توجه به موقعیت و فرصت ارتکاب جرم خشونت خانگی و با توجه به آسیب پذیری بالقوه زنان در این رفتارها، ارتکاب جرم را پیش بینی کرده و برای محافظت از آماج جرم، خروج وی از منزل و سکونت جداگانه را مجاز دانسته است. در نمونه ای دیگر می توان به قوانین متعدد مربوط به مراقبت و کنترل مرزهای کشور و نظارت بر ورود و خروج افراد اشاره کرد که اقدامات پیشگیرانه مؤثری برای جلوگیری از بزهکاران بالقوه های خواهد بود که مدارک شناسایی لازم و اجازه معتبر برای ورود به کشور را ندارند.

### ۳. ۸. ۴. نقد پیشگیری وضعی

<sup>۷</sup> وجود در معرض خطر بودن به معنای مجموعه ای از محرکهای مفروض علت و معلولی است که یک کودک و یا نوجوان را در معرض خطر بزهکاری قرار می دهد، برای نمونه ب یا مضابطی شدید، خشونت و عدم موفقیت تحصیلی در مدرسه ابتدایی، نشانه هایی هستند که با توجه به آن ها می توان رفتار بزهکارانه و ضداجتماعی در بزرگسالی را پیش بینی کرد.

از آن جایی که رویکرد پیشگیرانه وضعی توجهی به علت و دلیل ارتکاب جرم نداشته و تنها سعی دارد تا با حذف فرصت و موقعیت ارتکاب جرم، مانع وقوع آن شود، نمی تواند در حل مسأله بزهکاری و از میان بردن خطر جرم چندان موفق ظاهر شود. تدابیر وضعی می توانند بزهکار را در زمان و موقعیتی خاص به عقب برانند، اما نم ی توانند فکر ارتکاب جرم را از سر آنان بیرون کنند. صرف اتخاذ رویکرد پیشگیرانه وضعی بدون توجه به دلایل زیستی، روانی و اجتماعی و... بزهکاری، گرهی از این مشکل باز نخواهد کرد، بلکه بزهکاران را به مکان یا زمانی که در آن فرصت ارتکاب جرم فراهم می باشد، سوق خواهد داد. پدیده ای که تحت عنوان "جابه جایی جرم" از آن یاد می شود. در جابه جایی جرم، بزهکار بالقوه به دنبال فرصت مناسب دیگری برای ارتکاب جرم می باشد. بنابراین، گاه زمان و مکان ارتکاب جرم را تغییر داده و گاه به شیوه ها و شگردهای جدید برای ارتکاب جرم روی می آورد.

نکته دیگر، آنست که مبنای نظری پیشگیری وضعی، یعنی نظریه انتخاب عقلانی، در خصوص همه افراد و همه جرایم صادق نیست. همه افراد، به یک اندازه حسابگرانه و معقول رفتار نمی کنند، از جمله مجرمین هیجانی و یا افراد دارای اختلال روانی. صرف نظر از قدرت حسابگری افراد، در همه جرایم چنین محاسباتی وجود ندارد، برای نمونه در جرایم غیر عمد که بدون طرح و نقشه قبلی رخ داده، جایی برای تصور این حسابگریها نیست، گذشته از آن گاه اطلاعات لازم برای انجام این محاسبات در دسترس بزهکار بالقوه نیست (Sen, 1986: 45). نگاه اقتصادی محض به انسان و تعریف مادی گرایانه از ماهیت آن، به منزله نادیده گرفتن نقش و تأثیر عواطف و احساسات در تصمیم گیری ها و غفلت از ارزش ها و نظام باورهای فردی است که نقش تعیین کنند های در انتخاب افراد دارند (پویان، ۱۳۹۶: ۲۳)

جرم شناسی علمی است که به علت یابی جرایم می پردازد. همچنین با بررسی بزهکار نیز می تواند علت چرایی ارتکاب جرم را دریابد. این علم هدف اصلی اش علاوه بر علت یابی جرایم، پیشگیری جرایم است. در واقع جرم شناسی می تواند با ریشه یابی جرم و بدست آوردن مجموعه عواملی که باعث ارتکاب جرم می شود راهکار هایی را برای جلوگیری از جرم یا ارتکاب مجدد آن ارائه دهد. امروزه تنها راهکار های تنبیهی باعث کاهش جرایم نمی شود. بلکه ثابت شده است روش های غیر تنبیهی و بدون وجود مجازات بسیار بر مجرمین تاثیرات مثبتی داشته است. روش های غیر قهری جهت پیشگیری از جرایم از دستاورد های مهم جرم شناسی است که در عالم حقوق بسیار حائز اهمیت می باشد. در واقع جرم شناسی دو هدف مهم دارد که یکی به منظور نیل به دیگری است. کشف علل جرم و مهار و کنترل جرم.

تلاش بشر در راستای توجیه اقدامات دولت ها در قالب جرم انگاری و تعیین بایدها و نبایدهای کیفری، در قالب نظریه پردازی های مختلف و توجیه جرم و مجازات، منعکس شده است که در این مسیر، بشر هر روز بیش از پیش به سمت عقلانی کردن و توجیه نظری اقدامات خود روی آورده است.

#### کتابنامه

#### الف) فارسی

افتخار جهرمی، گودرز. (۱۳۷۸). اصل قانونی. بودن جرایم و مجازات ها و تحولات آن، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۲۵ و ۲۶.

الهام، غلامحسین، برهانی، محسن. (۱۳۹۵). درآمدی بر حقوق جزای عمومی، ج اول، نشر میزان، ص ۸.

پویان، محمدتقی (۱۳۹۶)، نقد نظریه انتخاب عقلانی در گیری. سیاست های راهبردی، فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست، ش ۲۳.

خسروشاهی، قدرت الله، جوادی حسین آبادی، حسین (۱۳۹۵) تحلیل رابطه ی مؤلفه های هویت دینی و پیشگیری از جرم، پژوهش حقوق کیفری، سال پنجم، شماره ۱۷.

سنجابی، سمانه، دائی، طیبه. (۱۳۹۹). رابطه ی بزه دیده شناسی و جرم شناسی، مطالعات حقوق شهروندی، شماره ۱۵، ص ۳۹۳-۴۱۶.

صادقی، سالار، اکبری، عباسعلی. (۱۳۹۹)، بررسی جرم شناختی جرایم علیه امنیت کشور با رویکرد جامعه شناسی جنایی، مطالعات جامعه شناسی، شماره ۴۸، ص ۷۱-۵۳.

فراصت، جعفر (۱۳۹۱)، بررسی آثار و مبانی تعلیق تعقیب، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.

غلامی، حسین (۱۳۹۱). اصل حداقل بودن حقوق جزا، فصلنامه حقوق کیفری.

مظلومان، رضا، جامعه (۱۳۵۱). جرم، مجازات و هدف، نوع و خصایص کیفرها، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۱۲، ص ۱۱۴

نجفی ابر ندادادی، حسین، هاشم بیگی، حمید. (۱۳۷۷)، دانشنامه جرم شناسی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، ص ۳۳۴.

یزدیان جعفری، جعفر (۱۳۹۱)، چرایی و چگونگی مجازات، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ص ۱۱۴.

وایت، هینز. (۱۳۸۳). جرم و جرم شناسی، ترجمه علی سلیمی، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ص ۱۱۱.

ب) انگلیسی

Sen, Amartya.(1982) Choice, welfare and Measurement, Cambridge Mass Mit Press, p 45.